

رهبړ معظم انقلاب در مورد انتخابات مجلس دوازدهم بر چهار مؤلفه مشارکت، رقابت، سلامت و امنیت تأکید کرد دند. به نظر شما تحقق این چهار مؤلفه چه بستر و مقدماتی لازم دارد؟

این موضوع، مورد مهمی است که رهبری در ابتدای سال شروع به ریل گذاری آن کردند. این امر نشان می‌دهد این موضوعات باید به طور ویژه‌ای مورد توجه قرار بگیرد. از این چهار مورد، سلامت و امنیت بیشتر معطوف به حوزه‌های حاکمیتی است. با توجه به شرایط کشور، دشمن بدون تردید برنامه‌ریزی‌هایی برای خدشه‌دار کردن امنیت انتخابات انجام داده است. حوزه سلامت نیز از موضوعات همیشگی، مهم و باسابقه است و در این دوره هم رهبری در مورد آن حساسیت دارند. حوزه بعدی مشارکت و رقابت است. سؤال مهمی که اینجا پیش می‌آید، این است که چرا این دو از هم جدا شده‌است؟ این مورد خیلی بحث مهمی بوده‌است که رهبری انقلاب این دو را از هم جدا کرده‌اند. در ذهن افرادی که کمتر بحث‌های سیاسی را از منظر علمی بررسی می‌کنند، رقابت و مشارکت یکی افزایندهٔ مشارکت را رقابت می‌دانند، در حالی که عناصر دیگری هم در مشارکت دخیل هستند، اما وقتی این دو از هم جدا می‌شود، مبتنی بر یک نگاه کارشناسی و علمی است. مشارکت در کشور ما نتیجه چند اتفاق است، یکی از موارد رقابت است اما تنها محدود به این مؤلفه نیست. ما هم اکنون در متون علمی داریم که کارآمدی به این معناست که مردم احساس کنند رأی‌شان مؤثر است. کارآمدی بخشی از مشارکت است، بنابراین وقتی احساس کنند کارآمدی کم است، مشارکت هم کم می‌شود و در نتیجه رقابت هم کاهش می‌یابد. وقتی از مشارکت حرف می‌زنیم در کنار رقابت باید به مؤلفه‌های دیگر هم توجه کنیم. مهم‌ترین مؤلفه در رقابت احساس مؤثر بودن رأی مردم است و این امر نتیجه کارآمدی و بر اساس عملکرد خود کارآمدی مجلس نیست. بخش مهمی از این کارآمدی این است که مردم احساس کنند رأیی که در گذشته داده‌اند، مهم بوده است. امروز ما چیزی که از وضعیت اقتصادی احساس می‌کنیم، دربارهٔ نارضایتی مردم از این اوضاع است. این فقط نتیجه کار سه ساله مجلس نیست بلکه نتیجه روندی است که خروجی آن مشارکت است و هر کس به سهم خودش چه بر اساس جایگاهی که داشته، چه زمانی که فرصت اقدام داشته و بر اساس عملکرد خود بر این روند تأثیر مثبت یا منفی داشته است. مثلاً جریان اصلاحات که ادعای مشارکت دارد، باید به اندازه حداقل ۲۴سال سابقه داشتن اختیارات وسیع اجرایی دولت، پاسخگویی وضعیت فعلی اقتصادی و تأثیر آن بر مشارکت مردم باشد. فارغ از این مسئله با نگاه ره به جلو اگر بخواهیم مشارکت بالا برود، باید اقدامات مفیدی انجام شود که مردم آن را در زندگی خود احساس کنند و بتوانند پتانسیل‌های بسیار زیادی که در کشور ما نهفته است، به عنوان مثال فشار بر جمهوری اسلامی و نظام چقدر مؤثر می‌شود و می‌توانید امتیاز بگیرید یا نه؟ ربطی به قانون انتخابات ندارد. افرادی که معترض هستند در مرحله پیش‌ثبت‌نام می‌توانند ثبت‌نام کنند و در مرحله دوم ثبت‌نام شرکت نکنند. این رویه بهتر از رویه قبلی است که فرد از سوی شورای نگهبان ردصلاحیت یا عدم‌حراز می‌شود. مسئله اصلاحات این است که هنوز نمی‌تواند جمع‌بندی کند که چه رویکردی در قبال انتخابات در پیش بگیرد. تازه دو هفته پیش کارگزاران تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت کنند، البته این را شفاف بگویم که تلاش زیادی کردند قانون انتخابات به این دوره نرسد و بخشی از مشکل به نتیجه نرسیدن انتخابات تناسبی همین تلاش‌های مخرب است. مهم‌ترین مخالفان انتخابات تناسبی در هیئت عالی نظارت و صحن مجمع طیف نزدیک به آقای لاریجانی و اصلاحات بوده است.

مسئله وحدت در جریان اصولگرایی در هر دوره از انتخابات به نطایبی می‌ماند که گروه می‌خسود و بعد با دندنان و در دقیقه ۹۰ باز می‌شود و برخی اوقات کار به وقت اضافه هم می‌کشد اما گروه باز نمی‌شود. این دوره قرار است و وحدت چگونه در جریان اصولگرایی محقق شود؟ ما به همدلی و کارآمدی معتقدیم که اگر این دو را محور تصمیم‌گیری بگذاریم، می‌توانیم در جریان اصولگرایی به هم نزدیک شویم ولی شرایط مهم است بین طیف‌های اصولگرایی رقابتی باشد اما همدلی هم برقرار باشد و این دواز نگاه ما تعارضی ندارند. اگر بخواهیم به لیست کارآمد برسیم و مردم اعتماد کنند، باید ابتدا نگاه همدلانه داشته فرصت کافی برای شناسایی همه ثبت‌نام‌کنندگان نداشت، عدم‌حراز می‌زد. اگر شوروی نگهبان عدم‌حرازها را به صفر نزدیک کند، حتماً تعداد کاندیداها و در حوزه‌های سیاسی و غیرسیاسی رقابت بیشتر می‌شود. در حوزه‌های غیرسیاسی تعداد اولویت دارد که مثلاً سه نفر یا ۲۰نفر رقابت می‌کنند و اثر مستقیم در مشارکت می‌گذارد. در حوزه‌های انتخابات سراسری و سیاسی موضوع متفاوت‌تر است و چهره‌ها موضوعیت دارد. در این حوزه‌ها باید ببینیم جریان اصلاحات چقدر پای کار می‌آید. استنباط من این است که نگاه شورای نگهبان سختگیرانه و منفی نیست، البته کسی که به‌عنوان مثال در اغتشاشات سال گذشته حضور داشته و مواضع سیاسی بدی گرفته است، نباید تأیید شود یا کسی که شبهه اقتصادی دارد، نباید بیاید اما شورای نگهبان باید بستر را برای بقیه افراد که حداقل‌های صلاحیت را دارند، فراهم کند.

شما قانون انتخابات را به نفع مشارکت و رقابت ارزیابی کردید، اما بر برخی جریانات سیاسی این نگاه را قبول ندارند و معتقد هستند قانون انتخابات جدید به نوعی انتخابات را مهندسی و جریانات سیاسی منتقد را محدود کرده است. شما این نقدها

گفت‌وگو

جعفر بزرگر



محمد مهدی صافی / جوان

گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با محمدسعید احدیان، دبیر کل مجمع بیداری نیروهای انقلاب اسلامی سهم خواهی را در تضاد با منافع مردم می‌دانیم

شورای ائتلاف باید مرجعیت گفتمانی نیروهای انقلاب را به دست گیرد

پنج‌شنبه دو هفته پیش همایش ۴هزار نفری «مینا» یا همان مجمع بیداری نیروهای انقلاب اسلامی با حضور بخشی از طیف‌های مختلف جریان اصولگرایی در حرم حضرت امام خمینی (ره) بر گزار شد. شعار این همایش «مشارکت بالا، همگرایی و کارآمدی و مجلس انقلابی» بود که چهره‌هایی چون محمدباقر قالیباف، حدادعادل و محسن رضایی و بیش از ۱۳۰۰نماینده مجلس حضور داشتند. هدف از برگزاری این همایش کمک به افزایش مشارکت در انتخابات

باشیم، یعنی سهم‌خواهی‌ها را کنار بگذاریم و شایسته‌ها را در لیست بگذاریم. این امر غیرمنطقی نیست که افرادی که نزدیک به یک حزب هستند، حزب از آنها بیشتر حمایت کند، این رویه طبیعی و قابل فهم است اما سهم‌خواهی غیر این‌ها رویه است. مهم است که شایسته‌ها انتخاب شوند، البته اینجا همه ذیل نگاه تعهد است، به این معنا که هر گزینهای که انتخاب شود، باید تعهد به انقلاب، اسلام و رهبری داشته باشد. همچنین مردمی باشد و فدافه مردم نداشته باشد. اینجا به عنوان پیش‌فرض قطعی است. در مرحله دوم هم تخصص‌ها و توانمندی‌ها ملاک است. در مجموع نگاه باید همدلانه باشد نه از روی سهم‌خواهی و باذیاری که در این صورت منافع مردم قربانی خواهد شد. در دوره‌های قبل خیلی بر وحدت حداکثری تأکید می‌شد اما در این دوره همه بیان می‌شود که در جریان اصولگرایی رقابت هم امری مذموم نیست. آیا راهبردی وحدت صددرصدی یا حداکثری در جبهه انقلاب کنار گذاشته شده‌است؟

این دو مسئله باهم تعارض ندارند بلکه هدف کارآمدی است. مسئله این است که یک موقع وحدت را مینا می‌گذارید و می‌گویید در این شرایط کشور، مؤلفه مهم و اولویت‌دار وحدت است اما در برهه‌ای دیگر کارآمدی اولویت دارد که در این زمان ممکن است اختلافات بروز پیدا کند. ما در مقطع کنونی اولویت کشور را همدلی و کارآمدی می‌دانیم، بدون همدلی اختلافات زیاد است و این امر باعث زیان و ضرر به عنصر کارآمدی است. ما باید به یک نقطه بهینه بین همدلی و کارآمدی برسیم.

اشاره به برخی چالش‌ها در مجلس بازدهم داشتید. در افکار عمومی هم این مسئله به نگاه منفی روه‌رو شد چراکه می‌گفتند معنی ندادن افراد یک لیست انتخاباتی به کابهم وارد مجلس شده‌اند، الان علیه یکدیگر موضع بگیرند.

بخشی از این سخن، درست و بخشی هم نادرست است. در موضوعات کارشناسی اختلاف سلیقه طبیعی است، نمی‌شود ۳۰نفر مثل هم فکر کنند، بنابراین از این حیث این نقد وارد نیست اما بخشی از این نقد وارد است، نمی‌شود در همین لیست، کسی علیه رئیس مجلس توتیبت بزند که صادقانه، دقیق و درست نیست، تهمت و کذب باشد. از این منظر انتقاد مردم وارد است.



دیگر مسئله مشارکت بود. اگر بخواهیم گفتمان مجمع بیداری نیروهای انقلاب را ارائه کنیم، جریانی است که معتقد است ذیل نگاه انقلاب، عقلانیت و کارآمدی را ببیند، یعنی انقلابی کسی است که عدالت، معنویت و عقلانیت را طبق فرموده آقا همان و توأمان داشته باشد و معتقد هستیم وظیفه اصلی جریان‌های سیاسی که در حاکمیت می‌توانند مؤثر باشند، اثبات کارآمدی دین در اداره جامعه است. هر کسی در این حوزه نگاه مششترک با ما نداشته باشد، می‌تواند رقیب ما باشد، طبیعتاً رقیب اصلی جریان اصلاحات و اعتدال است که نسبت به نگاه انقلابی فاصله زیادی با ما دارد و درون جریان انقلاب هم طیف‌هایی که با عنوان انقلابی‌گری از مؤلفه‌های عدالت، عقلانیت و معنویت دور باشد، با ما فاصله گفتمانی دارند.

جریان اصولگرایی و مخصوصاً شوروی ائتلاف برای کمک به بحث مشارکت و مشارکت حداکثری که به نفع کشور است، چه راهبردی دارد؟

به نظر من شورای ائتلاف وظیفه دارد به دور از این مسئله که انتخاباتی در پیش است یا خیر، محوریت گفتمانی جبهه انقلاب را در دست بگیرد که به نظر می‌رسد در این زمینه نیاز به تقویت و نقش‌آفرینی مؤثرتری دارد. شورای ائتلاف باید تبدیل به مرجعیت سیاسی و فکری نیروهای جوان انقلاب شود که البته این مسئله نیاز با فعال کردن خود بدنه و نگاه دوطرفه صورت خواهد گرفت، بنابراین شورای ائتلاف نیاز به اصلاح و تقویت دارد، البته خود شورای ائتلاف در این زمینه شروع به فعالیت کرده است اما همه ما هم باید در این زمینه به شورای ائتلاف کمک کنیم.

نقدهی که از سوی مردم به مجلس و دولت وارد می‌شود، این است که نتیجه اقدامات این دو نهاد را در زندگی خود احساس نمی‌کنند. با توجه به این مسئله برای شکل‌گیری مجلس کارآمدتر که در همایش مطرح شد، شورای ائتلاف و مینا چه برنامه و رویکردی دارند؟

مجلس یازدهم موفق بوده است. رهبری معظم انقلاب تصریح کردند که مجلس را انقلابی و کارآمد می‌دانند اما این مورد با استثنائاتی همراه بود که می‌شود نقاط ضعف مجلس، خود ما بیشتر به نقاط ضعف مجلس اذعان داریم. براینده کلی مجلس توانسته است مدال افتخار حمایت ویژه رهبر معظم انقلاب را آن هم در سال آخر دوره‌اش بگیرد اما حتماً نقاط ضعفش باید برطرف شود. این مجلسی که توانسته است موفق عمل کند، اگر نقاط ضعفش برطرف شود، می‌تواند موفق‌تر عمل کند و کلیت مجلس، مجلسی است که قابل دفاع است و باید نقاط ضعف آن رفع شود، اما اینکه چرا مردم اقدامات مجلس را احساس نمی‌کنند، ایده‌آل‌ترین مجلس را هم شما در نظر بگیرید، چون خروجی اصلی مجلس تقنین و نظارت است، به سرعت در زندگی مردم احساس نمی‌شود. نظارت هم اینگونه نیست که جای مجری و ناظر عوض شود. ناظر در بهترین حالت می‌تواند مصادیقی را از اصلی‌ترین موضوعات جدا و آنها را با مجری مطرح کند و بخشی از آن را به نتیجه برساند. همچنین بر مبنای مصادیق خاصی می‌تواند از جریان‌های نظارتی مانند استیضاح استفاده کند اما استیضاح هم لزوماً منجر به کارآمدی نمی‌شود، ممکن است آورده سیاسی برای افکار عمومی داشته باشد اما الزاماً باعث حل مسئله مردم نمی‌شود، چون معلوم نیست فردی بهتر می‌شود یا خیر، بنابراین نظارت جایگزین اجرا نیست. هیچ وقت نخواهد رسید که مجلس تواننده به گونه‌ای رفتار کند که مردم بتوانند این قوانین را حس کنند، اما چه مجلسی بهتر و کارآمد است، مجلسی که ویژگی‌هایی از جمله مردم‌ی بودن و متعهدبودن را داشته باشد، ولی در حوزه کارآمدی باید بتواند تخصص‌های خودش را به طور کافی داشته باشد. مجلس «تعمینده پایه» است. ۲۹۰نفر نماینده جمع می‌شوند، اختیارات نماینده‌ها زیاد است، رئیس مجلس را سالی یک بار انتخاب می‌کنند، حتی یک نماینده می‌تواند به کار مجلس و تصویر مجلس در ذهن مردم طلمه بزند. اگر بخواهید کار بزرگی بکنید، باید در حوزه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع، فضای مجازی امنیت و دانش بنیان افراد متخصص وارد مجلس کنید، یعنی تنوع تخصص وجود داشته باشد.

آقای قالیباف درباره سهم‌خواهی گلابه‌ای کردند. این سهم‌خواهی‌ها چگونه قابل مدیریت است؟

این سهم‌خواهی بستگی به منفعت‌ها دارد. وقتی بخواهید مقابل منفعت افراد عمل کنید، سخت است، البته مسئله سهم‌خواهی امر تفسیرسرداری است. هیچ‌کس عمل خود را بسهم‌خواهی تلقی نمی‌کند. مدیریت کردن این سهم‌خواهی‌ها سخت است. مسئله مهم این است که فرایند انتخاب افراد منطقی و قابل اعتماد باشد و دوم اینکه لیست به گونه‌ای تنظیم شود که وجدان عمومی نیروهای انقلاب نیز آن را تأیید کنند. لیست باید وزن داشته باشد و افراد شایسته حضور داشته باشند.

جریان اصلاح‌طلب همواره اصولگرایان را متهم به این می‌کنند که شما مایل به ردصلاحیت افراد ما و پیروزی تضمین‌شده در انتخابات هستید. اولویت شما پیروزی در انتخابات آینده است یا اینکه انتخابات رقابتی باشد؟

ما از رقابت حمایت می‌کنیم. اینکه ما از انتخابات تناسبی حمایت کردیم، یعنی کسانی که وزن اجتماعی-سیاسی دارند، مجلس بیایند. ما باور به رقابت داریم و با حمایت از انتخابات تناسبی در عمل این مسئله را نشان داده‌ایم. مشکل جریان اصلاحات این است که تکلیف خود را با نظام مشخص نکرده است. جریان اصلاحات در این سال‌ها سعی کرده است دوزیست عمل کند، می‌خواستند هم در حکومت و هم اپوزیسیون نظام باشند، این باعث شده است مواردی منفعت ببرند، مثلاً برخی انتخابات‌ها را بردند اما در بلندمدت هم اعتماد نظام به آنها کم شد و هم بدنه خودشان را از دست دادند. ما از رقابت با کسانی که مرزبندی با دشمن را رعایت می‌کنند، استقبال می‌کنیم و رقابت شیرین‌تر و جذاب‌تر هم می‌شود.

در جریان اصلاحات طیف‌های مختلفی شکل گرفته است؛ طیفی جامعه‌محور

و نظر ش این است که با انتخابات کاری نداشته باشد و طیفی هم می‌گوید صندوق رأی مهم‌ترین ابزار جریان‌های سیاسی برای حضور در عرصه سیاست رسمی است. تحلیل شما درباره عملکرد این جریان چیست و اینکه در انتخابات حضوری پررنگ خواهد داشت یا بیشتر به سمت تحریم انتخابات خواهد رفت؟

فکر می‌کنم جریان اصلاحات با مشکل بزرگی روبه‌رو شده است، منظور مسئله ریزش بدنه اجتماعی است. جریان اصلاحات بدنه اجتماعی خود را از دست داده است. به دلیل همین رفتار دوزیستی که داشته است، هم اعتماد نظام را در مقاطع مهم مثل فتنه ۱۳۸۸ که جلوی نظام ایستاد از دست داده و هم بدنه خود را در این وسط نگه داشته و نسبت به نظام باور آنها را محکم نکرده، در نتیجه در اتفاقاتی مثل اغتشاشات سال گذشته همه آنها را از دست داده است. اکنون هم اصلاحات این وسط مانده است که کلاً از نظام جدا شود یا نظام همراهی کند. اینجا دو دسته می‌شوند، یک دسته می‌گویند جمهوری اسلامی محکم‌تر از قبل شده است. دشمن اصلی که اسرائیل است، در حال نابودی است اما باید با نظام همراهی و اعتماد نظام را جلب کنیم و بخشی از بدنه غیررادیکال خود را برگردانیم و بقیه بدنه را هم با شکست اقدامات براندازانه با خود همراه خواهیم کرد، اما بخشی معتقد به جدا شدن از نظام هستند. من معتقدم تصمیم درست آنها این است که بدنه خود را به نظام اتصال دهند و آنها را از براندازان جدا کنند، ولی صحنه را که نگاه می‌کنم، پیش‌بینی من این است که به این دلیل که فکر می‌کنند در انتخابات شکست می‌خورند، چون نگاه کوتاه‌مدت دارند، بیشتر به سمت تحریم خواهند رفت.

تحریم یعنی کنار گذاشتن عرصه رسمی سیاست‌ورزی، پیامد تحریم چیست؟

اینها دنبال این خواهند بود که چه اتفاقاتی در انتخابات ریاست جمهوری آینده خواهد افتاد که بتوانند مسیر را دوباره احیا کنند. من معتقدم طیف رادیکال‌های اصلاح‌طلب زورشان بیشتر از طیف معتدل است.



امروز ما چیزی که از وضعیت اقتصادی احساس می‌کنیم، درباره نارضایتی مردم از این اوضاع است. این فقط نتیجه کار سه ساله مجلس نیست بلکه نتیجه روندی است که خروجی آن مشارکت است و هر کس به سهم خودش چه بر اساس جایگاهی که داشته، چه زمانی که فرصت اقدام داشته و بر اساس عملکرد خود بر این روند تأثیر مثبت یا منفی داشته است. مثلاً جریان اصلاحات که ادعای مشارکت دارد، باید به اندازه حداقل ۲۴سال سابقه داشتن اختیارات وسیع اجرایی دولت، پاسخگویی وضعیت فعلی اقتصادی و تأثیر آن بر مشارکت مردم باشد



مسئله این است که یک موقع وحدت را مینا می‌گذارید و می‌گویید در این شرایط کشور، مؤلفه مهم و اولویت‌دار وحدت است اما در برهه‌ای دیگر کارآمدی اولویت دارد که در این زمان ممکن است اختلافات بروز پیدا کند. ما در مقطع کنونی اولویت کشور را همدلی و کارآمدی می‌دانیم، بدون همدلی اختلافات زیاد پیدا می‌کند، اما باور به رقابت داریم و با حمایت از انتخابات تناسبی در عمل این مسئله را نشان داده‌ایم. مشکل جریان اصلاحات در این سال‌ها سعی کرده است دوزیست عمل کند؛ می‌خواستند هم در حکومت و هم اپوزیسیون نظام باشند



ما از رقابت حمایت می‌کنیم. اینکه ما از انتخابات تناسبی وزن اجتماعی-سیاسی داریم، مجلس بیایند. ما باور به رقابت داریم و با حمایت از انتخابات تناسبی در عمل این مسئله را نشان داده‌ایم. مشکل جریان اصلاحات در این سال‌ها سعی کرده است دوزیست عمل کند؛ می‌خواستند هم در حکومت و هم اپوزیسیون نظام باشند